

بیانیه راهبردی مواجهه با ادوار، رویدادها و شخصیت‌های تاریخی ایران

شورای فرهنگ عمومی کشور؛ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ ه.ش

صورت‌بندی نظریه‌ای جامع و پیش‌رو در باب هویت ملی ایرانیان و طراحی نظامی راهبردی و برنامه‌ای بر مبنای آن، در دو دهه گذشته مورد توجه شورای فرهنگ عمومی کشور بوده است. لازمه طرح چنین رویکردی، وجود ادبیات مفهومی منسجم و پشتوانه و چارچوب نظری عمیق و قابل‌اتکاست تا در ترسیم گفتمان ایجابی هم از لغزش‌های ملی‌گرایی و باستان‌گرایی افراطی و هم از تعصب‌ورزی‌ها و برخوردهای سلبی مصون مانده و هم دچار انفعال و عقب‌نشینی از مواضع و مبانی اصیل تفکر اسلامی نشویم. تصویب سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» در سال ۱۳۸۶ ه.ش توسط شورای فرهنگ عمومی کشور در همین راستا صورت پذیرفت. بیانیه راهبردی حاضر نیز بر اساس همین سند و در چارچوب اندیشه‌های مترقی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و نگاه حکیمانه مقام معظم رهبری و نظریات گران‌قدر اندیشمندان چون شهید مطهری و دکتر شریعتی که همواره به تلائم و تلازم دو مؤلفه ایرانیّت و اسلامیت در تکوّن هویت جامعه ایرانی اشاره کرده و این تعامل دو طرفه را تبیین و صورت‌بندی نمودند، تدوین شده است.

تاریخ تمدنی ایران با پیشینه‌ای بیش از پنج هزار سال، یکی از مهم‌ترین ارکان هویتی جامعه ایرانی است که اوج شکوه آن در دوران اسلامی پدیدار شد. مؤلفه‌های اسلامیت و ایرانیّت در طول حیات جامعه ایرانی همواره تعاملی سازنده و پویا داشته و آن‌چنان درهم آمیختند که تفکیک آن‌ها ناممکن به نظر می‌رسد. تجلی بارز این آمیختگی را می‌توان در گنجینه عظیم ادبیات کهن فارسی و آثار متفکران مسلمان در عرصه‌های گوناگون اندیشه مشاهده نمود. مرحله دیگری از آمیختگی این دو رکن هویتی در انقلاب اسلامی رقم خورد. یکی از نشانه‌های قدرت گفتمان انقلاب اسلامی، توان آن در ادغام، هضم و جذب توأمان مؤلفه‌های گوناگون اسلامی، ایرانی و شیعی در یکدیگر است و چنانچه اندیشمندان اصیل انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند، نمی‌توان تاریخ ایران پیش از اسلام را نادیده گرفت و یا عنصری نامطلوب تصور کرد. در این نگاه، تاریخ کهن و اسطوره‌های ایرانی به مثابه یک گنجینه فرهنگی، واجد مؤلفه‌هایی محوری و هم‌گرا با ارزش‌های اسلامی و اخلاقی برای روایت گذشته، حال و آینده جامعه ایرانی است؛ از جمله این موارد می‌توان به یکتاپرستی، میراث زبان و ادبیات فارسی، آیین فتوّت و پهلوانی، خردورزی و فرزاندگی، میهن‌دوستی و شخصیت زرتشت به عنوان یک پیامبر الهی و مروج یکتاپرستی و اخلاق‌مداری اشاره نمود.

متأسفانه پیش از انقلاب اسلامی، تاریخ ایران، یا دستمایه سوءاستفاده‌های سیاسی رژیم پهلوی قرار گرفت که با برساختی دست‌کاری شده از تاریخ ۲۵۰۰ ساله و برجسته‌سازی شخصیت‌هایی نظیر کوروش، سعی در جعل مشروعیت سیاسی برای خود و اسلام‌زدایی از هویت ایرانیان داشت و یا ذیل پروژه‌های استعماری شرق‌شناسانه توسط مورخین غربی برای تحقیر و زمینه‌سازی تسلط فرهنگی-تمدنی بر جامعه ایران تعریف شد. از طرفی در دوران حاضر بیش از هر زمان دیگری ضرورت تقویت پایه‌های انسجام اجتماعی و خودآگاهی نسبت به هویت ملی، به ویژه در میان جوانان و نوجوانان احساس می‌شود.

در این راستا باید ارکان اساسی هویت ملی - از جمله تاریخ ملی - را به رسمیت شناخته و به خلق و پردازش روایتی جهانی از شخصیت‌ها و نقاط عطف تاریخ در سه برهه ایران باستان، ایران اسلامی و ایران انقلاب اسلامی پرداخت. توجه به تاریخ ملی، به معنای فروبسته‌سازی آرمان‌های جهانی انقلاب اسلامی یا غلتیدن به ورطه گرایش‌های موهوم قوم‌گرایانه و خودبرتربینیانه نیست؛ بلکه مقصود فراهم آوردن زمینه ارتقای خودباوری تمدنی و افتخار فرهنگی در برابر جوامع و تمدن‌های دیگر و مقابله با خودکم‌بینی و احساس رعب در برابر شرق و غرب است؛ همچنین شخصیت‌های اسطوره‌ای نظیر رستم، سیاوش، ایرج، کاوه آهنگر می‌توانند به عنوان بخشی از اسطوره‌های ملی برای آحاد مردم به ویژه نوجوانان، هویت‌ساز باشد.

در سالیان اخیر مجدداً شاهد برجسته‌سازی برساخت کوروش از جانب برخی افراد و جریان‌ها هستیم. طرح مسئله کوروش، بیش از آن که برخاسته از یک واقعیت تاریخی باشد، حاصل تبدیل شدن کوروش به نمادی سیاسی-هویتی است. اگرچه سندیت بیشتر مواردی که اکنون در اذهان عمومی به کوروش نسبت داده می‌شود، محل تردید جدی مورخین است؛ با این حال عده‌ای با ارائه مداوم روایت‌های غیرمستند تاریخی، سعی در بازتولید این نماد به مثابه شخصیتی افسانه‌ای و منبع الهام هویتی دارند. توفیق در برجسته‌سازی برساخت‌های نمادین و غیرمستند تاریخی منسوب به ایران باستان و تقابل با سایر مؤلفه‌های هویتی جامعه ایرانی نظیر هویت دینی، در گرو شکاف و انفصال گفتمانی دو رکن ایرانیّت و اسلامیت و کاهش سطح سواد تاریخی در میان جامعه است. به عبارتی هر چه در گفتمان رسمی میان این دو مؤلفه، تقابل و واگرایی ایجاد شود، به همان میزان سوءاستفاده از نمادهایی چون کوروش افزایش می‌یابد.

بر اساس موارد ذکر شده، توجه به نکات ذیل ضروری است:

- هرگونه مواجهه انفعالی (نادیده گرفتن یا مسکوت گذاشتن) یا صرفاً امنیتی باعث می‌شود تا این مسائل در هاله‌ای از ابهام و خیال‌پردازی باقی بمانند؛ بنابراین نه تنها باید با مواجهه دقیق علمی و کارشناسانه چنین موضوعاتی را در سطح عموم بررسی نمود، بلکه باید به سمت طرح مفاهیم و روایت ملی بر اساس منابعی نظیر شاهنامه فردوسی حرکت کرده و شخصیت‌های اصیلی که هم به لحاظ تاریخی قابل استناد بوده و هم به لحاظ گفتمانی، ضدیتی با حیات فرهنگی جامعه ایرانی ندارند، نظیر سورنا، سلمان فارسی، آریوبرزن و ... را برجسته ساخت.
- دانشگاه‌ها، رسانه‌های عمومی و سایر دستگاه‌های فرهنگی باید با ایجاد گفتمان علمی-تخصصی و اجتناب از سویه‌های سیاسی، جهت افزایش سواد تاریخی آحاد مردم نسبت به ادوار مختلف تاریخ ایران، از جمله ایران پیش از اسلام، اقدام نمایند. همچنین اصلاح محتوای دانش‌نامه‌های عمومی برخط در فضای مجازی به عنوان یکی از منابع اولیه برای رجوع عموم مردم باید مورد توجه قرار گیرد.
- ضروری است تا نظام فرهنگی کشور با مواجهه عالمانه و پرهیز از دامن زدن به تقابل‌ها و دوگانه‌گرایی‌ها به استقبال مؤلفه ایرانیّت در طرح روایت تاریخ و رؤیای ملی بروند؛ در این راستا باید به تولید آثار سینمایی، نمایش‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی فاخر و جذاب پیرامون شخصیت‌های برجسته تاریخ ایران پرداخت.

• لازم است تا پژوهش‌های دقیقی پیرامون مواجهه فرهنگ رسمی و فرهنگ عمومی با مفهوم ایران و روایت‌های مختلف آن از جمله سنجش سواد تاریخی آحاد مردم و مختصات فهم آن‌ها نسبت به ایران، ابعاد جنگ شناختی و رسانه‌ای پیرامون روایت‌های برساختی، شرق‌شناسانه و استعماری از تاریخ ایران انجام شود.

• با توجه به تلاش جبهه معارض انقلاب اسلامی برای مصادره به مطلوب دال‌های شناور در فضای گفتمانی جامعه ایرانی، ضروری است تا مراکز رصد فرهنگی با پایش مستمر و آینده‌نگر جریان‌های مختلف، پیش از آنکه نمادی ملی یا مذهبی از طرف جبهه معارض مصادره شود، ساختار حکم‌رانی فرهنگی را برای تصمیم‌گیری فعالانه و اقدام به موقع نسبت به آن مسئله هشیار کند.

• دین مبین اسلام، ضمن پالایش آداب و رسوم سنتی جوامع مختلف از وجوه مشرکانه و غیراخلاقی، با در نظر داشتن مولفه‌های مثبتی نظیر صله ارحام، خانواده‌محوری و ... زمینه گسترش بیشترشان را نیز فراهم نموده است؛ چنانچه در آیین‌های باستانی نوروز و یلدا شاهد همین مواجهه هستیم؛ همچنین باید در نظر داشت پرداختن متوازن و فعالانه به مناسبت‌های باستانی، امکان راهبری و تأثیرگذاری بیشتر بر چارچوب‌ها و بسترهای مقتضی این آیین‌ها را فراهم خواهد آورد. در این راستا پرداختن به برخی از جشن‌ها و آیین‌های برگزیده و هم‌گرا با اصول و ارزش‌های اسلامی نظیر جشن سده و مهرگان باید توسط شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تقویم فرهنگی و رویدادمحور کشور مورد توجه قرار بگیرد.

• وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی باید خود متولی برگزاری رویدادهای گوناگون و خلاقانه با هدف بیان روایت صحیح و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی در میراث تمدنی تاریخ ایران در ادوار مختلف باستانی، خصوصاً روز منسوب به هفت آبان، در مکان‌های تاریخی مرتبط باشند.

بر اساس این بیانیه راهبردی، **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ نظام آموزش عالی؛ وزارت آموزش و پرورش، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سازمان صداوسیما** به عنوان ارکان اصلی روایت تاریخ و رؤیای ایرانی مؤظفند با مشارکت نخبگان و همکاری سایر نهادها، **ظرف مدت سه ماه، برنامه‌های راهبردی و اجرایی خود را ناظر به خطوط و مواضع راهبردی مطرح شده در بیانیه حاضر در عرصه‌های مختلف رهیافت هنری، رهیافت علمی، رهیافت رسانه‌ای و رهیافت آموزشی تدوین نموده و به صحن اصلی شورای فرهنگ عمومی کشور ارسال نمایند.**

... پایان ...